



Examination of the Hadith of Tharid from the Perspectives of the Two Denominations i.e. Shia and Sunni *

Abdul Majid Zahadat¹

Abstract



The Hadith “The virtue of Aisha over other women is like the virtue of Tharid over other foods” has been cited in Sunni sources of Hadith, theological works, exegeses, historical and biographical accounts, as one of the most important evidence to establish the virtue and superiority of Aisha. Some authors have considered her superiority over all women based on this Hadith, while others have regarded it as a virtue and commendable quality attributed specifically to the Prophet’s wives, or merely as a general virtue without comparison to other women. This article utilizes a wide range of acceptable Sunni sources in Hadith jurisprudence and examines the textual and contextual evidence. The likelihood of fabrication is also explored, particularly when considering the narrators of this Hadith who lack credibility. Furthermore, despite ignoring the authenticity of the chain of narration, the existence of conflicting texts to prove Aisha’s superiority over Khadijah and Fatimah renders it problematic, even when closely examining the evidence for the virtue.

Keywords: Hadith of Tharid, Virtue of Aisha, Virtue of Tharid, Hadith of Women’s Excellence, Leader of the Women of Paradise.

*. **Date of receiving:** 01/11/2023, **Date of approval:** 23/01/2024.

1. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, Qom, Iran: zahadat1394@gmail.com.



بررسی حدیث ثرید از منظر فریقین *

عبدالمجید زهادت^۱



چکیده

حدیث «فضل عائشه علی النساء کفضل الثرید علی الطعام» در منابع حدیثی و کلامی و تفسیری و تاریخی و تراجم اهل سنت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ادله برای اثبات فضیلت و برتری عائشه مستمسک برای برخی از نویسندگان قرار گرفته است. گاه به استناد این حدیث او را به‌صورت مطلق بر همه زنان برتر دانسته و گاه فقط بر زنان پیامبر ﷺ و گاه صرفاً به‌عنوان یک فضیلت و صفت نیکو دانسته شده است بدون سخن گفتن از مفاضله و مقایسه با دیگر زنان. در این مقاله با استفاده حد اکثری از منابع قابل قبول اهل سنت در فقه الحدیث و بررسی سندی و دلالتی مطالعه شده است و بررسی متن‌های گوناگون در این زمینه احتمال وضع تقویت می‌شود علاوه بر اینکه با نگاهی به راویان این حدیث در می‌یابیم که نمی‌تواند از اعتبار برخوردار باشد. از سوی دیگر بعد از چشم‌پوشی از سند، با توجه به نصوص معارض برای اثبات برتری عائشه بر خدیجه رضی الله عنها و فاطمه نیز ناتوان است حتی با دقت در حدیث اثبات فضیلت نیز مشکل به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: حدیث ثرید، فضل عائشه، فضل الثرید، حدیث کمال زنان، سرور زنان بهشتی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲.

۱. استادیار جامعة المصطفی العالمية، قم، ایران: zahadat1394@gmail.com.



مقدمه

در زمان ما پرهیز از بحث‌های تفرقه انگیز و خود داری از توهین به مقدسات مذاهب اسلامی از ضرورت مسلم است یکی از مقدسات اهل سنت همسران رسول خدا ﷺ به ویژه عائشه است. چندی قبل که یکی از تفرقه افکنان لندن نشین مدعی دفاع از تشیع کتابی در توهین به عائشه نشر داد بزرگان امامیه یک صدا در تقبیح این عمل شیطانی موضع گیری کردند. اما باید توجه داشته باشیم که بحث علمی و روشنگرانه با ادبیات مناسب با نزاع‌های طائفه گرایانه کاملاً متفاوت است و نمی‌توان به انگیزه پرهیز از تفرقه بین مسلمانان از مباحثات علمی و به دور از اهانت به مقدسات چشم پوشی نمود.

در این مقاله در صدد هستیم که یکی از مستندات اهل سنت بر ترجیح عائشه بر سایر همسران رسول خدا ﷺ را و بنا بر نظر برخی ترجیح بر همه زنان امت بررسی کنیم که عبارت است از حدیث «فضل عائشه علی النساء کفضل الثرید علی سائر الطعام» یعنی برتری عائشه بر سایر زنان مانند برتری ثرید است بر سایر غذاها.

این حدیث نزد اهل سنت از اهمیت زیادی برخوردار است در منابع حدیثی، تاریخی، کلامی و تفسیری به این حدیث برای اثبات فضیلت و برتری عائشه بر دیگر زنان برتر اسلام استناد شده است. محدثان اهل سنت مانند احمد حنبل، بخاری، مسلم، ترمذی، نسائی، ابن حبان و طبرانی این حدیث را در ضمن فضائل عائشه، باب ولیمه و اطعمه نقل و صحیح تلقی کرده‌اند؛ علاوه بر این که شارحان حدیث نیز در طول زمان عنایت ویژه‌ای به آن مبذول داشته‌اند.

مفسران ذیل آیه ۴۲ سوره آل عمران به مناسبت جایگاه حضرت مریم و ذیل آیه ۱۲ سوره تحریم به مناسبت سخن از زنان بهشتی و زنانی که در بهشت جایی ندارند از این حدیث سخن گفته‌اند. (بغوی، ۱۴۲۰: ۴۳۹/۱ و ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۴/۲ و قرطبی، ۱۴۰۵: ۸۳/۴) و در منابع کلامی و کتب اعتقادی (ابن حزم، ۱۴۱۶: ۹۷/۴ و ۱۰۳، اسفراینی ۱۴۰۳: ۱۷۹: ۱۴۲۳، آمدی، ۱۴۲۳: ۲۹۱/۵؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۳۰۲/۴؛ ملاعلی قاری، ۱۴۲۸: ۲۰۹) و در منابع تاریخی و رجال و تراجم اهل سنت (ابن سعد ۱۹۶۸: ۷۹/۸؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۴۱۰: ۲۱۵/۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۱۶/۷) نیز به این حدیث اعتنای ویژه شده است.

در این مقاله با تحلیل متن و محتوای حدیث و بررسی سندی و دلالتی آن به این نتیجه می‌رسیم که این حدیث بعد از اغماض از سند حتی برای اثبات فضیلت هم ناتوان است تا چه رسد به اثبات برتری بر خدیجه ﷺ و یا برتری بر فاطمه ﷺ. ویژگی این مقاله آن است که تلاش و سعی بر استقصاء مطالب اهل سنت در خصوص این حدیث دارد و حتی در عمده نقدها به‌ویژه در بحث دلالتی از سخنان اهل سنت بهره‌برداری شده است.

الف. متن حدیث

حدیث ثرید منسوب به رسول خدا ﷺ «فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام» یکی از مهم ترین مستندات اهل سنت برای فضیلت عائشه است. از آنجا که فهم درست حدیث متوقف است بر نگاه دقیق به متن های گوناگون آن، لازم است قبل از هر چیز متن ها را مورد مذاقه قرار دهیم: الف. روایات بدون صدر که در ابواب مختلف منابع روایی از انس بن مالک و عائشه نقل شده است و فقط محل استشهاد اهل سنت آمده است: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى الطَّعَامِ» (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۰۵/۶ و ابن ماجه، بی تا، ۱۰۹۲/۲) برخی این روایت را همان روایت همراه با صدر می دانند (ابن حبان، ۱۴۱۴: ۵۰/۱۶؛ ابن عساکر، ۱۴۰۶: ۸۴؛ هبثمی، ۱۴۰۸: ۲۴۳/۹).

ب. همراه با صدر ثنائی بدون نام خدیجه ﷺ و فاطمه ﷺ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَسِيَةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ» (شیبانی، بی تا، ۳۹۴/۴؛ بخاری ۱۴۰۱: ۱۳۱/۴، ۱۳۹؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ۱۳۳/۷؛ ابن ماجه، بی تا، ۱۰۹۱/۲).

ج. نقل ثلاثی بدون نام فاطمه ﷺ: از قره بن ایاس از رسول خدا ﷺ: «كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا ثَلَاثٌ: مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَأَسِيَةُ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ» (ابن کثیر، ۱۳۹۶: ۱۳۷/۲) نقل های ثنائی و ثلاثی را مختلف دانسته نشده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۶۰/۳؛ ۷۳/۲).

د. نقل رباعی که نام هر ۴ بانوی بهشتی را در صدر بیان کرده از قرن پنجم به بعد دیده می شود: «عن أبي موسى قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمُلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعٌ: أَسِيَةُ بِنْتُ مَزَاحِمِ امْرَأَةِ فِرْعَوْنَ وَمَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَفَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۵۳/۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۳۲/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶۵/۲۸). زیلعی در تخریج الأحادیث و الآثار بعد از ذکر این نقل می نویسد: «وَالْحَدِيثُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ لَيْسَ فِيهِ خَدِيجَةُ وَلَا فَاطِمَةُ» (زیلعی، ۱۴۱۴: ۶۷/۴). این سخن احتمال وحدت مضمون و عمد در حذف دو نام را تقویت می کند احتمال دیگر اینکه با توجه به سایر روایات معتبر که نام چهار نفر آمده، در این حدیث هم برخی منابع متأخر نام چهار نفر را آورده اند.

گرچه در منابع اصلی روایت «كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ نَوْعًا ثَنَائِيًّا» است و نام خدیجه و فاطمه ﷺ نیست اما با روایات رباعی معاضد و هم معنی است. شارح بخاری نیز روایات را از حیث معنی واحد می داند:



«کمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا مريم بنت عمران وآسية بنت مزاحم وفي رواية أربع وهو ما رواه الترمذی و أحمد من حدیث أنس قال النبى ﷺ حسبك من نساء العالمين بأربع: مريم بنت عمران وآسية امرأة فرعون وخديجة بنت خويلد وفاطمة بنت محمد ﷺ» (عینی، بی تا، ۲۷۲/۳؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ۳۶۷/۵؛ شیبانی، بی تا، ۱۳۵/۳) حاکم نیشابوری بعد از نقل حدیث می نویسد: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین و لم یخرجاه بهذا اللفظ» (حاکم نیشابوری، ۱۵۷/۳) سایر منابع نیز این لفظ را نقل کرده‌اند (ابن حبان، ۱۴۱۴: ۴۶۴/۱۵؛ طبرانی، بی تا، ۴۰۲/۲۲).

هـ. نقل صدر، بدون ذکر ثرید و با ذکر هر چهار زن بهشتی این نقل در کلام برخی از اعلام اهل سنت مانند جامع البیان طبری (۱۴۱۵: ۳۵۸/۳) و نیز در سخنان ابن طلحه شافعی و ابن صباغ مالکی آن هم با استناد به مصادر اصلی اهل سنت هر محقق متبعی را وادار به حکم به وحدت مضمون می نماید. این دو نویسنده علاوه بر انتساب نقل بدون ثرید به منابع اصلی مانند بخاری و مسلم به تغییر در متن و عدم ذکر خدیجه و فاطمه توجه داده‌اند (ابن طلحه، ۵۰؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲: ۶۵۹/۱).

این گونه نقل‌ها نیز احتمال وضع در حدیث ثرید را تقویت می کند و یکسان بودن و کثرت و صحت روایات مربوط به چهار زن بهشتی که مورد اتفاق فریقین نیز می باشد موید دیگری بر احتمال وضع حدیث ثرید است. برخی از امامیه هم روایت کمل را (بدون حدیث ثرید) به صورت رباعی و مرسلا نقل کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵: ۶۵/۱۰).

و. سایر نقل‌های حدیث ثرید: به جای فضل عائشه، عائشه تفضل و به جای فضل الثرید، کما یفضل الثرید آمده است: «عن النبى ﷺ قال إن عائشة تفضل علی النساء کما یفضل الثرید علی سائر الطعام» (هیثمی، ۱۴۰۸: ۲۴۳/۹).

و به جای تشبیه به ثرید، به تهامه تشبیه شده است: «فضل عائشة علی النساء کفضل تهامة علی ما سواها من الأرض وفضل الثرید علی سائر الطعام» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۳۴/۱۲؛ دیلمی، ۱۴۰۶: ۱۳۳/۳).

تشبیه معکوس یعنی فضل ثرید به فضل عائشه تشبیه شده است: «فضل الثرید علی الطعام کفضل عائشة علی النساء» (طبرانی، بی تا، ۴۳/۲۳؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ۲۱۵/۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۳۴/۱۲). این تشبیه معکوس به بخاری و مسلم و ابن ماجه نیز انتساب داده شده است (عجلونی، ۱۴۰۸: ۸۹/۲).

ب. اعتبار حدیث و فهم آن نزد اهل سنت

متن معروف حدیث یعنی تشبیه عائشه به ثرید با صدر و بدون آن مورد قبول عموم اهل سنت قرار گرفته است و حدیث شناسان به صحت آن بلکه به اتفاق بر صحتش تصریح کرده اند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴۴/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۷۳/۲؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ۲۴۳/۹).

البانی حدیث شناس سلفی معاصر نقل معروف حدیث ثرید یعنی «فضل عائشة علی النساء کفضل الثرید علی سائر الطعام» بدون صدر و هم با صدر را با طرق گوناگون آن صحیح دانسته و تقویت می کند (البانی، ۱۴۱۵)؛ اما نقل های غیر معروف را تضعیف کرده و صحیح نمی داند. فقه الحدیث و بیان استدلال و استناد اهل سنت در دو عنوان مفردات و وجه استناد به حدیث ثرید پیگیری می شود:

اول. مفردات، قبل از بیان وجه استناد اهل سنت به حدیث ثرید لازم است مفردات آن یعنی دو کلمه «ثرید» و «سائر» مورد ملاحظه قرار گیرد. «الثرید» با توجه به اهمیت فراوان حدیث ثرید نزد اهل سنت این کلمه مورد توجه ویژه اهل لغت و شارحان حدیث قرار گرفته است در کتاب اطعمه و در باب ولیمه نیز نسبت به فضیلت برای ثرید اهتمام بسیار زیاد شده است.

«ثرید» از ماده «ث ر د» به معنای نان خورد شده است که در آبگوشت با گوشت مخلوط شده و در فارسی معادل ترید است. ابن اثیر می گوید: مراد از ثرید در حلیث این طعام است نه خود ثرید به تنهایی بلکه مراد طعامی است مرکب از نان خورد شده در آبگوشت که با گوشت مخلوط گردیده است. زیرا غالباً ثرید را با آبگوشت تهیه می کردند و در بین عرب کم می شد که غذای پختنی بدون گوشت باشد و گوشت گاهی کباب می شده و گاهی به صورت آبگوشت و مزه و قوتی که در آن است از خود گوشت به تنهایی بیشتر است (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۰۹/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰۲/۳). ابن قیم جوزی هم می گوید: ثرید مرکب از نان و گوشت است و از آنجا که نان بهترین خوراکی ها و گوشت بهترین خورشت هاست هرگاه با هم جمع شوند بهتر از آن پیدا نمی شود (ابن قیم، ۱۳۷۷: ۲۲۷، ۲۸۹).

«سائر»: کلمه سائر نیز با توجه به تاثیر در بحث مفاضله مورد کنکاش قرار گرفته است؛ النهایة فی غریب الحدیث: «و منه الحدیث فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَی النَّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَی سَائِرِ الطَّعَامِ ای باقیه و السائر مهموز الباقی والناس یستعملونه فی معنی الجمیع و لیس بصحیح وقد تکررت هذه اللفظة فی الحدیث و کلها بمعنی باقی الشیء» (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳۲۷/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۴۰/۴).



تذکر این نکته لازم است که تطور در معنای موضوع له «ثرید» (ابن خلدون، ۱۳۹۱: ۳۳۶/۲؛ عینی، بی تا، ۲۵۱/۱۶) در اصل بحث تأثیری ندارد؛ زیرا در زمان صدور حدیث معنای مورد نظر از لفظ ثرید برای مخاطبان معلوم بوده کما اینکه مدح از ثرید در منابع امامیه (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۱۷/۶) دلالت بر افضلیت آن بر سائر اطعمه ندارد؛ زیرا نسبت به سایر طعام‌ها نیز مدح شده است.

دوم. وجه استناد به حدیث: شرح حدیث بعد از بیان معنای لغوی به وجه استناد و استدلال پرداخته و می‌گویند: مراد از فضیلت ثرید آن است که فایده دارد و سیر کننده است خوشمزه و خوش خوراک است و به راحتی قابل تهیه کردن است و برتری عائشه بر سایر زنان مانند برتری ثرید بر سایر خوراکی‌هاست (نوی، ۱۴۰۷ ج ۱؛ ۱۹۹/۱۵؛ عینی، بی تا، ۲۵۱/۱۶).

در وجه شباهت نیز شارحان گفته‌اند: همان گونه که ثرید خوبی‌های زیادی را در خود جمع کرده عائشه نیز چنین است وی خوش اخلاقی و شیرین زبانی و خوش سلیقگی و باهوشی و شوهرداری را در خود جمع کرده است (مناوی، ۱۴۱۵: ۵۷۴/۳؛ ۵۷۴/۴).

با توجه به وجه شباهت، نویسندگان اهل سنت با استناد به حدیث ثرید گاهی برای عائشه فضیلت ثابت کرده‌اند بدون مطرح کردن مفاضله و گاهی سخن از افضلیت گفته‌اند. در افضلیت هم گاه مفاضله بین عائشه با خدیجه مطرح شده و در مواردی هم با فاطمه زهراء سلام الله علیها.

۱. بیان فضیلت عائشه

نسائی در کتاب فضائل الصحابة با عنوان فضل عائشة بنت ابي بكر این حدیث را نقل کرده است (نسائی، ۱۴۰۵: ۵۸). در «الأربعین فی مناقب أمهات المؤمنین رحمة الله علیهن أجمعین» به عنوان فضیلت متعالی مطرح شده است: «و فی هذا فضیلة سنیة لعائشة لأنه شبهها بأفضل طعام العرب وأكثر تغذية من غیره» (ابن عساکر، ۱۴۰۶: ۸۴) ذهبی در شرح حال عائشه این حدیث را همراه با تایید و تقویت در اولین فضیلت نوشته است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۴۴/۲).

۲. افضلیت عائشه بر خدیجه

سیف‌الدین آمدی با این که افضلیت عائشه را تمام نمی‌داند اما در نهایت با استناد به حدیث ثرید می‌گوید: «فقد ذهب أهل السنة وأصحاب الحديث إلى أن عائشة أفضل نساء العالمين» (سیف‌الدین آمدی، ۱۴۲۳: ۲۹۱/۵). انتساب این قول به اهل سنت و اصحاب حدیث نیاز به مستند دارد و محقق کتاب مستندی پیدا نکرده است و از باب ناچاری صرفاً به ابن حزم استناد کرده است. بنا بر این انتساب قول به افضلیت عائشه بر جمیع نساء به اهل سنت به صورت مطلق، نادرست و بدون مستند قابل قبول است.

ابن تیمیه اجماعی بودن قول به تفضیل عائشه را نفی کرده و صرفاً به جمع زیادی از اهل سنت نسبت می‌دهد (منهاج السنة). اما وی نظر خودش را به صراحت بیان نکرده است لذا او را از متوقفین دانسته‌اند ابن حجر می‌نویسد: «قال السبکی الكبير الذي أدين الله به أن فاطمة أفضل ثم خديجة ثم عائشة والخلاف شهير، ولكن الحق أحق ان يتبع. وقال ابن تيمية جهات الفضل بين خديجة وعائشة متقاربة وكأنه رأى التوقف» (ابن حجر، ۸۴/۷). ابن کثیر نیز استناد به حدیث ثرید برای قول به برتری عائشه بر خدیجه را به کثیری از علما نسبت می‌دهد نه به اجماع علما او می‌گوید: «وقد استدل كثير من العلماء ممن ذهب إلى تفضيل عائشة على خديجة بهذا الحديث» (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۰۰/۸).

قول به تفضیل عائشه بر خدیجه به گروه اندکی از اهل سنت نیز نسبت داده شده: «حاول البعض من أصحابنا وهم القليل تفضيل عائشة على خديجة رضی الله عنهما مع أن أحاديث خيرية نساء الجنة شاهدة لخديجة بالفضل إذ لم تذكر عائشة رضی الله عنها في شيء من تلك الأحاديث» (محمد بن عقیل، ۱۴۱۲: ۲۲۹).

۳. افضلیت عائشه بر فاطمه

ابن حزم در بحث «الكلام في وجوه الفضل و المفاضلة بين الصحابة»، با استناد به آیه «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْنَ فَلَ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» (الأحزاب: ۳۲) زنان رسول خدا را بر همه زنان برتر دانسته و برای رفع تعارض این آیه و حدیث ثرید با سخن رسول الله ﷺ: «خير نساها فاطمة بنت محمد» عائشه برتر از فاطمه دانسته و در مقام جمع بین ادله می‌گوید: «فاطمه افضل النساء» است بعد از خدیجه و در قول رسول خدا ﷺ «فضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام عموم النساء» مانند عموم نساء النبی در آیه است پس زنان رسول خدا برتر از همه زنان هستند (ابن حزم اندلسی، ۱۴۱۶: ۴۳/۳ و ۵۲).

در پاسخ می‌گوییم: خود آیه برتری مطلق برای زنان رسول خدا قائل نیست بلکه موقوف و مشروط است *إِنَّ اتَّقِيْنَ*. بنا بر این آیه اطلاق ندارد که بخواهید حدیث ثرید را در اطلاق موافق آیه بدانید. مضافاً بر اینکه در حدیث ثرید سایر _ همان گونه که در بیان مفردات گذشت _ به معنای باقی است نه جمیع لذا حدیث ثرید هم اطلاق ندارد و تخصصاً زنان مذکور در صدر از مفاضله خارجند.

اما سخن ابن حزم در برتری لفظ فضل نسبت به سیادت می‌گوییم ادله برتری خدیجه و فاطمه بر عائشه منحصر به لفظ سیادت نیست علاوه بر اینکه لفظ سیادت هم برای اثبات برتری کافی است. صلابی نویسنده معاصر اهل سنت در اثبات برتری فاطمه و خدیجه بر عائشه به نصوص معتبر استناد نموده و می‌نویسد: «وفي لفظ: سيدة نساء أهل الجنة فهو صريح لا لبس فيه ولا يحتمل التأويل وهو نص



فی أنها أفضل نساء الأمة وسيدة نساء أهل الجنة، وقد شاركت أمها في هذا التفضيل فهي وأمها أفضل نساء أهل الجنة وهي وأمها أفضل نساء الأمة» (صلاهی، ۱۴۲۶: ۱۸۲).
اما در خصوص سخن محمد ناصرالدین البانی در باره عموم لفظ النساء در حدیث ثرید: «فيمكن البقاء على هذا العموم إلا إذا جاء نص صريح يضطرنا إلى استثناء هذا النص الصريح من العموم وهذا ما لا يحضرنا الآن». (البانی، ۱۴۳۱) می‌گوییم: نصوصی که البانی مورد تجاهل قرار داده و یا فراموش کرده در ادامه مقاله بیان خواهد شد.

ج. اشکال سندی

در بررسی سندی توجه به دو نکته، اعتماد به صدور حدیث ثرید را سلب می‌کند: اولاً متن حدیث بدون ذیل مربوط به عائشه و ثرید می‌تواند از شواهد و نشانه‌های وضع باشد که بعضی از این نقل‌های مورد اعتماد اهل سنت اشاره تحت عنوان نقل صدر، بدون ذکر ثرید و عائشه اشاره شد. محمود ابوریة از نویسندگان معاصر اهل سنت هم حدیث ثرید را در ضمن احادیث موضوعه ذکر کرده است (ابوریة، ۱۴۲۰: ۱۲۷). ثانیاً، این حدیث به چهار نفر از اصحاب منتهی می‌شود که حال سه نفر از آنها در عداوت با خاندان رسول خدا ﷺ معلوم و نفر چهارم جایگاهش نزد دانشمندان اهل سنت تعریقی ندارد و نزد رجالیون امامیه هم مجهول است (مامقانی، ۱۴۳۱: ۲۸/۲). بنابراین نیازی به بحث جداگانه از رجال سند حدیث دیده نمی‌شود. این چهار نفر عبارتند از: ابوموسی اشعری، انس بن مالک، عائشه و قره بن ایاس.

ابوموسی اشعری: نظر به دشمنی او با امیرالمومنین (علیه السلام)، روایتش در مدح عائشه برای امامیه و بلکه برای هر انسان محقق بی‌طرف به هیچ وجه نمی‌تواند قابل اعتماد باشد. بنا بر نقل صدوق، امیر المومنین (علیه السلام) او را از شش نفری از متاخران می‌دانند که در تآبوتی در ته جهنم جای دارند (صدوق، ۱۳۶۲: ۴۸۵/۲) علاوه بر این که حدیثه بن یمان ذیل آیه کریمه «وَهُمْوَا بِمَا لَمْ يَنَالُوا» (توبه: ۷۴). نام او را در بین ۱۴ نفری که در سوء قصد به جان رسول خدا ﷺ نقش داشتند، ذکر می‌کند (صدوق، ۱۳۶۲: ۴۹۹/۲) او متصف به اوصافی مانند: ابن السراقه و ابن الحائک است. امیرالمومنین او را با یابن الحائک خطاب کردند و داستان تحکیم او هم در منابع به وفور نقل شده است (شوشتری، ۱۴۱۰: ۵۲۷/۱۱؛ گروه پژوهشگاه، ۱۳۸۹: ۵۳۶/۱).

انس بن مالک: انحراف او نیز از مسلمات تاریخ اسلام است او در زمان جنگ جمل همچون سعد بن ابی وقاص کنار کشید و در لشکر هیچیک از دو طرف نبرد، نرفت و در واقع وی از مرجئه به شمار

أحمد (ابن قتيبة، بی تا، ۵۸۰؛ مفید، ۱۴۱۳: ۳۵۱/۱؛ مامقانی ۱۴۳۱: ۱۱/۲۴۴) و ابن ابی الحدید تحت عنوان فصل «فی ذکر المنحرفین عن علی»، ماجرای نفرین امیر المومنین علیه السلام و ابتلاء او به برص را کرده است (ابن ابی الحدید: ۱۳۷۸: ۷۴/۴).

عایشه: تاریخ اسلام خروج عائشه بر خلیفه مسلمانان را بروشنی بیان کرده است وی با اوصافی مانند: «منبوحة كلاب الحوآب وصاحبة الجمل الأدب و المتظاهرة على النبي صَلَّى اللهُ عليه و اله» شناخته شده است (شوشتری، ۱۴۱۰: ۱۲/۳۱۴) دشمنی و خروج عائشه بر امیر المومنین علیه السلام را نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از قبل پیشگویی فرموده و خبر دادن از این خروج را تحت عناوینی مانند «باب ما جاء فی إخباره بأن واحدة من أمهات المؤمنین تنبح علیها كلاب الحوآب» در ضمن اعلام النبوه و معجزات آن حضرت را آورده اند (ابن راهویه، ۱۴۱۲: ۲/۳۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۶/۴۱۰؛ ماوردی، ۱۴۰۹: ۱۳۶) سایر محدثان اهل سنت نیز شرح ماجرا را نقل کرده اند (شیبانی، بی تا، ۵۲/۶؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ۱۲۰/۳). البانی حدیث شناس معاصر نیز در السلسلة الصحيحة با تمام توان از صحت این حدیث دفاع کرده است (البانی ۱۴۱۵).

قره بن ایاس: جایگاهش نزد سنی ها چندان تعریفی ندارد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۳/۱۲۸۰ و ابن حبان، ۱۳۹۳: ۳/۳۴۶) اما نزد امامیه نیز شناخته شده و ممدوح نیست و با الفاظی مانند صحابی مجهول و «لم اتحقق حاله و مثله سایر المسئین بقرة المعدودین من الصحابة» از او یاد شده است (مامقانی، ۱۴۳۱؛ طوسی، ۱۲۴/۱؛ ۲۸/۲).

د. اشکال دلالتی

دلالت حدیث ثرید حتی بر فضیلت مورد مناقشه است تا چه رسد به افضلیت؛ در اینجا ابتدا ضعف دلالت بر فضیلت را مورد توجه قرار می دهیم.

۱. نفی فضیلت

اثبات فضیلت برای عائشه به این حدیث مشکل است؛ زیرا اولاً، به احتمال قوی اضافه شدن این جمله ذیل حدیث کمال زنان چهارگانه «کمل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء الا اربع» برای جلوگیری از تحریک تعصب زنانه و حسادت عائشه نسبت به خدیجه علیها السلام است. این غیرت زنانه و حسادت از اهل سنت با اسناد صحیح و الفاظ گوناگون از قول خود عائشه نقل شده است (مبارکفوری، ۱۴۱۰: ۱۰/۲۶۴؛ نسائی، ۱۴۱۱: ۵/۹۴) حاکم النیسابوری می نویسد: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین و لم یخرجاه» (۱۸۶/۳) حسادتی که باعث دلخوری و غضب شدید رسول خدا صلی الله علیه و آله شد



(ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ۱۸۲۳/۴؛ شیبانی، بی تا، ۱۱۷/۶ و ۵۸؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۲۳/۴). بنابراین بر فرض صدور حدیث ثرید، دلالتی بر فضیلت نداشته و صرفاً جهت دلجویی و شعله‌ورنشدن حسادت اوست نه بیان فضیلت. روش زندگی رسول خدا ﷺ در برخورد با حساسیت‌های زنانه همسرانش که در آیات اول سوره تحریم بیان شده برای تقویت این احتمال مناسب است.

ثانیا، اختلاف در سیاق کلام نیز شاهد قوی است بر عدم فضیلت برای عائشه زیرا وی را در عداد زنان کامل نیاورده بنا بر این نه تنها فضیلت نیست بلکه به نوعی سلب فضیلت است. علاوه بر اینکه اینگونه تشبیه با سخنان فصیح رسول خدا ﷺ ناهمگون است (مظفر، ۱۴۲۲: ۶/۴۴۳ و جعفر مرتضی، ۱۴۱۵: ۲۸۶/۳).

ثالثا، در فقه الحدیث ذیل سخن درباره ثرید گفتیم که افضلیت برای ثرید ثابت نیست؛ زیرا ثرید غذای رایج آن زمان بوده نه این که بهترین غذا باشد (مناوی، ۱۴۱۵: ۶۶/۵) علاوه بر این که غذاهای دیگری مورد علاقه آن حضرت بوده است از ابی‌الدرداء از رسول الله ﷺ نقل شده است: «سید طعام أهل الدنيا وأهل الجنة اللحم» (ابن‌ماجه، بی تا، ۱۰۹۹/۲). از عائشه نیز نقل شده است: «كان رسول الله ﷺ يحب الحلواء والعسل». (الدارمی بی تا ج ۱۰۷/۲؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۶/۲۰۸ و ۲۴۵).

نفی عموم مفاضله

عموم برتری عائشه بر همه زنان قابل قبول نیست؛ زیرا اولاً، بر فرض قبول دلالت بر مفاضله، زنان مذکور در صدر حدیث از جمله فاطمه و خدیجه مقدم بر عائشه هستند و از این مفاضله تخصصاً خارجند؛ زیرا کلمه سائر به معنی «جمیع» نیست بلکه به معنی «باقی» است. النهایة فی غریب الحدیث: «ومنه الحدیث فَضَّلَ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضَّلَ الثَّرِيدَ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ ای باقیه. والسائر مهموزٌ: الباقي. والناس یستعملونه فی معنی الجمیع ولیس بصحیح. وقد تکررت هذه اللفظة فی الحدیث وكُلِّها بمعنی باقی الشیء» (ابن‌اثیر ۱۳۶۷: ۲/۳۲۷) در کتاب‌های شرح حدیث مانند المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج و مشکل الآثار و إكمال المعلم شرح صحیح مسلم نیز به این مطلب - که مذکورین در صدر از مفاضله ذیل خارج هستند - توجه شده است (نووی، ۱۴۰۷: ۱۵/۱۹۹؛ طحاوی، ۱۴۰۸: ۱/۴۷؛ قاضی عیاض، ۱۴۲۶: ۷/۲۲۳؛ ۱۰/۲۷۱).

ثانیا، با لحاظ ادله قطعی دیگر - بر فرض تمامیت سند و دلالت بر افضلیت - جمع بین ادله مقتضی تفضیل خدیجه و فاطمه است بر عائشه. در سخنان دانشمندان غیر امامیه روایات افضلیت فاطمه ﷺ و خدیجه ﷺ که مورد وفاق فریقین است وجه جمع قرار گرفته است بر همین اساس است که آلوسی در روح المعانی می‌نویسد: «و أشکل ما فی هذا الباب حدیث الثرید ولعل كثرة الأخبار الناطقة بخلافه تهون تأویل واحد لكثیر أهون من تأویل كثیر لواحد والله تعالی هو الهادی إلى سواء السبیل» (صلابی ۱۴۲۶: ۱۸۲).

۲. نفی افضلیت عائشه بر فاطمه زهرا

بنا بر نقل های فراوان مورد قبول فریقین نبی اکرم ﷺ فاطمه را با عناوین مختلف مورد خطاب قرار داده اند که هر یک به تنهایی برای اثبات افضلیت بر حدیث ثرید مقدم است. از میان فضائل فاطمه زهرا که مسلم و مورد اتفاق فریقین است برای رعایت اختصار فقط به نقل چند روایت از بین روایاتی که حتی اعلام اهل سنت در بحث از حدیث ثرید وجه جمع و تفضیل فاطمه بر عائشه قرار داده اند، بسنده می شود:

یک. سیده نساء العالمین: حاکم نیشابوری مسند از عائشه نقل می کند: «ان النبی ﷺ قال وهو فی مرضه الذی توفی فیہ یا فاطمة الا ترضین ان تکنونی سیده نساء العالمین وسیده نساء هذه الأمة وسیده نساء المؤمنین هذا اسناد صحیح ولم یخرجاه هكذا» (حاکم النیسابوری، ۱۵۶/۳). قبل از حاکم نیشابوری، ابوداود طیالسی و نسائی نیز این روایت را نقل کرده اند (طیالسی، بی تا، ۹۷؛ نسائی، ۱۴۱۱؛ ۲۵۲/۴؛ ۱۴۷/۵) اعتبار والای این نقل مورد تایید ابن حجر عسقلانی قرار گرفته است (عسقلانی، بی تا، ۸۲/۷).

و البانی هم در جلالت شأن فاطمه زهرا ﷺ با استناد به احادیث صحیحہ می نویسد: «و فاطمة رضی الله عنها أرفع وأغنی أن تمدح بالكذب علی أیها ﷺ و أهل السنة وأئمة الحدیث لیسوا — (النواصب) کیف و هم الذین رووا بالأسانید الصحیحة فضلها أنها بضعة منه صلی الله علیه وسلم یریبه ما یریبها و یؤذیه ما یؤذیها و أنها سیده نساء العالمین و أنها سیده نساء أهل الجنة إلا مریم إلى غیر ذلك من الفضائل» (ألبانی ۱۴۱۲: ۲۱۳/۶).

در سخنان غیر امامیه در مقابل حدیث ثرید برای تفضیل فاطمه زهرا به این حدیث مورد اتفاق استناد شده است «و أصحابنا یحملون لفظة النساء فی هذا الخبر علی زوجاته لان فاطمة ﷺ عندهم أفضل منها، لقوله ﷺ إنها سیده نساء العالمین» (ابن أبی الحدید، ۱۳۷۸: ۲۳/۱۴).

دو. افضل نساء اهل الجنة: این حدیث نیز به وفور در منابع معتبر همراه با تایید و تصحیح نقل شده است: احمد حنبل در مسند و در فضائل الصحابه و حاکم در مستدرک از ابن عباس: «خط رسول الله ﷺ فی الأرض أربعة خطوط قال تدرون ما هذا؟ فقالوا الله ورسوله اعلم فقال رسول الله ﷺ أفضل نساء أهل الجنة خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد و آسیة بنت مزاحم امرأة فرعون و مریم ابنة عمران رضی الله عنهن أجمعین» (شیبانی، بی تا، ۲۹۳/۱ و ۳۱۶؛ نسائی، ۱۴۰۵: ۷۴؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ۴۹۷/۲؛ ۱۶۰/۳ و ۱۸۵). ابن حجر در شرح حدیث می نویسد: «و فضل عائشة الخ لا یستلزم ثبوت الأفضلیة المطلقة وقد أشار ابن حبان إلى أن أفضلیتها التي یدل علیها هذا الحدیث و غیره، مقیدة بنساء النبی ﷺ»



حتی لا یدخل فیها مثل فاطمة علیها السلام جمعا بین هذا الحدیث و بین حدیث أفضل نساء أهل الجنة خدیجة و فاطمة الحدیث» (عسقلانی، بی تا، ۸۳/۷). عبارت ابن حبان ضمن باب مناقب عائشه در خروج فاطمه رضی الله عنها از مفاضله در غیر حدیث ثرید است یعنی ذیل خبری که انس به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده در پاسخ به سوال: «من أحب الناس إليك؟ قال عائشة» ابن حبان فاطمه را از مفاضله خارج دانسته است. این نمونه‌ای برای جمع بین روایات است یعنی در غیر حدیث ثرید هم ابن حبان جمع کرده (ابن حبان، ۱۴۱۴: ۴۰/۱۶) و البانی در سلسله صحیحیه به صحت نقل‌های متعدد حدیث افضل نساء اهل الجنة تصریح کرده است (البانی ۱۴۱۵: ۸۲/۴).

سه. فاطمة سیده نساء أهل الجنة این حدیث به طرق و الفاظ متعدد نقل شده از جمله: ابی سعید خدری از رسول خدا نقل کرده که فرمود: «ملك من الملائكة لم يهبط الأرض قبل هذه الليلة فاستأذن ربه ان يسلم على و يبشرني ان الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة و ان فاطمة سیده نساء أهل الجنة رضی الله عنهم» (شیبانی، بی تا، ۳۹۱/۵؛ ۸۰/۳؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۲۰۹/۴ و ۲۱۹؛ نسائی، ۱۴۰۵: ۵۸). البانی در «السلسلة الصحيحة» طرق مختلف این حدیث را صحیح دانسته است (البانی، ۱۴۱۵: ۲۹۵/۲). مقریزی در امتاع الاسماع در مقابل حدیث ثرید - بعد از نقل سخن قاضی عیاض - به این حدیث قطعی الصدور واضح الدلالة تمسک جسته است: و در پایان می‌گوید: و قوله رضی الله عنها فاطمة سیده نساء أهل الجنة أعم و أظهر فی التفضیل (مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۷۳/۱۰).

چهار. «فاطمه بضعه منی» با الفاظ مختلف بضعت از لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است؛ مسند احمد احمد بن حنبل: «فقال صلی الله علیه و آله إنها فاطمة بضعة منی یؤذنی ما آذاها و ینصبنی ما أنصبها» (بخاری ۱۴۰۱: ۲۱۰/۴، ۲۱۲ و ۲۱۹؛ مسلم نیشابوری، بی تا، ۱۴۱/۷؛ ابن ماجه، بی تا؛ ۶۴۴/۱؛ نسائی، ۱۴۰۵: ۷۸).

جمعی از اعلام اهل سنت در شرح حدیث ثرید فضیلت بضعت را بر هر فضیلتی از جمله حدیث ثرید ترجیح داده و فاطمه را افضل از عائشه و غیر او دانسته‌اند در عمده القاری در مقام مفاضله می‌نویسد: «و مقتضاه فضل عائشة علی فاطمة و الذی أراه أن فاطمة أفضل لأنها بضعة منه و لا يعدل ببضعته» (عینی، بی تا، ۵۴/۲۱).

مناوی در فیض القدر که شرحی است بر جامع الصغیر سیوطی می‌نویسد: «وقد قال جمع من السلف و الخلف لا تعدل ببضعة المصطفى صلی الله علیه و سلم أحدا قال البعض و به يعلم أن بقية أولاده كفاطمة رضی الله عنها» (مناوی، ۱۴۱۵: ۵۸۵/۲). آلوسی هم بعد ذکر حدیث ثرید می‌نویسد: «ثم لا يخفى أن فاطمة رضی الله تعالی عنها من حيث البضعية لا يعدلها فی الفضل أحد» (آلوسی ۱۴۱۵: ۱۵۰/۲؛ ۱۶۵/۲۸).

۳. نفی افضلیت عائشه بر خدیجه سلام

یک. روایاتی که در خصوص حسادت و غبطه عایشه به خدیجه گذشت بهترین دلیل برای بی‌اساس بودن مقایسه بین خدیجه و سایر همسران پیامبر اکرم است؛ زیرا غبطه و حسادت فقط در صورتی رواست که خود عایشه برتری و افضلیت خدیجه را معترف باشد و اگر عایشه افضلت و برتری داشت آیا جای این حسادت و غبطه بود؟

بر خورد قاطع رسول خدا در برابر این رفتار عایشه نیز در منابع آمده است: پیامبر گرامی اسلام سخن عایشه «قَدْ أَبْدَلَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا خَيْرًا مِنْهَا» را با تاکید و قسم جلاله رد می‌فرماید: «قال لا والله ما أبدلني الله خيرا منها أمنت إذ كفر الناس وصدقتني وكذبني الناس» (عسقلانی، بی‌تا، ۱۰۳/۸)؛ بلکه به نقل خود عایشه در مواردی رسول خدا با خشم و غضب به سخن عایشه در باره خدیجه پاسخ می‌دهد. (شیبانی بی‌تا، ۱۵۰/۶؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ۳۱۸/۴؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ۲۲۴).

دو. فضائل قطعی الصدور نزد فریقین در مقام جمع، دلیل بر افضلیت خدیجه بر عائشه و عدم اعتناء به حدیث ثرید در بحث افضلیت است. فقط به چند مورد از بیان افضلیت خدیجه که حتی در سخن برخی از اهل سنت در بحث از حدیث ثرید برای تفضیل خدیجه مورد استناد قرار گرفته بسنده می‌کنیم:

۱. سلام خداوند تعالی بر خدیجه یکی از ویژگی‌های مورد قبول و مستند به روایات صحیح است زمانی که رسول خدا در غار حرا مامور به مناجات با خدای تعالی بود، خدیجه کبری برای آن حضرت آب و غذا می‌آورد. جبرئیل بر رسول خدا نازل شد و عرضه داشت: «یا رسول الله هذه خدیجة قد اتت معها اناء فيه ادم أو طعام أو شراب فإذا هي أتتك فاقرأ عليها السلام من ربها ومني وبشرها بيت في الجنة من قصب لا صخب فيه ولا نصب» (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۳۱/۴؛ مسلم نیشابوری، بی‌تا، ۱۳۳/۷؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ۱۸۵/۳). بزرگان اهل سنت مانند ابن حجر و مقریزی و ابن کثیر فضیلت سلام خداوند به خدیجه را مقدم بر حدیث ثرید دانسته‌اند (عسقلانی، بی‌تا، ۱۰۵/۷؛ مقریزی، ۱۴۲۰: ۲۷۱/۱۰؛ ابن کثیر ۱۴۰۸: ۱۵۸/۳) البانی بعد از تصحیح حدیث احتجاج به حدیث بر افضلیت خدیجه بر عائشه را نقل می‌کند (البانی، صحیح وضعیف الجامع الصغیر وزیادته).

۲. أفضل نساء أهل الجنة این روایت که متن و سند آن همراه با تصحیح گذشت نیز به تنهایی مقدم بر حدیث ثرید است و برای تفضیل خدیجه و تقدیم بر حدیث ثرید به آن نیز استناد شده است شارح بخاری می‌نویسد: «و من صریح ما جاء فی تفضیل خدیجة ما أخرجه ابوداود والنسائی و صححه الحاکم من حدیث ابن عباس رفعه أفضل نساء أهل الجنة خدیجة بنت خویلد وفاطمة بنت محمد» (عسقلانی، ۱۰۵/۷) و قبلا ذیل فضایل فاطمه توضیح داده شد.



۳. «لقد فضلت خديجة على نساء أمتي كما فضلت مريم على نساء العالمين»: دلالت حدیث صحیح تفضیل خدیجه بر زنان امت اسلام نیز مورد استناد قرار گرفته است و بر حدیث ثرید مقدم داشته شده است (هیشمی، ۲۲۳/۹؛ المتقی الهندی، ج ۱۲/۳۲؛ المبارکفوری، ۲۶۵/۱۰ و مناوی، ۱۴۱۵: ۵۷۵/۳) و این حدیث را به‌عنوان نص صریح و غیر قابل تاویل بر حدیث ثرید مقدم داشته‌اند (ابن حجر، ۸۴/۷ و ۱۰۱).

چهار. «والله ما أبدلني الله خيرا منها»: شهادت رسول خدا ﷺ با قسم جلاله بر ترجیح خدیجه بر همه همسرانش _ به‌ویژه عائشه که مورد سخن رسول خداست _ نیز در روایات صحیح نقل شده و برای ترجیح بر حدیث ثرید مورد استناد قرار گرفته است. در روایات وجه ترجیح هم از لسان رسول خدا تبیین شده است: «وعن عائشة قالت كان رسول الله ﷺ إذا ذكر خديجة أثني فأحسن الثناء قالت ففرت يوما فقلت ما أكثر ما تذكر حمراء الشدقين قد أبدلك الله خيرا منها قال أبدلني الله خيرا منها قد آمنت بي إذ كفر بي الناس وصدقتني إذ كذبنى الناس وواستني بمالها إذ حرمني الناس ورزقني الله أولادها وحرمني أولاد الناس». این روایت در مقابل حدیث ثرید به‌عنوان دلیل صریح بر تفضیل خدیجه بر عائشه شناخته شده است (هیشمی، ۱۴۰۸: ۲۲۴/۹؛ عسقلانی، بی تا، ۱۰۶/۷؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۸۲۳/۴؛ مناوی، ۱۴۱۵: ۵۸۵/۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۸: ۱۵۸/۳؛ المقریزی، ۱۴۲۰: ۲۷۱/۱۰).

اختلافی بودن مفاضله و توقف و تفصیل در فضیلت

بعد از نقل آراء محققان اهل سنت در خصوص عدم برتری عائشه معلوم می‌شود هر چند تفضیل خدیجه بر عائشه مورد وفاق اهل سنت نیست (عسقلانی، بی تا، ۱۰۵/۷) اما قول به برتری عائشه بر سایر همسران رسول خدا ﷺ نیز مورد اتفاق اهل سنت نیست بلکه نظر اکثر آنها هم نیست این نکته در سخنان اهل سنت به صراحت بیان شده است: ابن تیمیه در پاسخ به اشکال علامه در منهاج نسبت به برتر دانستن عائشه بر خدیجه می‌نویسد: «إن أهل السنة ليسوا مجمعين على أن عائشة أفضل نسائه بل قد ذهب إلى ذلك كثير من أهل السنة واحتجوا بما في الصحيحين عن أبي موسى وعن أنس رضي الله عنهما أن النبي ﷺ قال فضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام والثريد هو أفضل الأَطعمه لأنه خبز ولحم» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۳۰۲/۴).

حاصل اینکه جمعی از نویسندگان اهل سنت به اختلافی بودن مفاضله و ترجیح عائشه بر خدیجه تصریح کرده و بعد از نقض ابرام در نهایت صراحتا قایل به توقف شده‌اند (ابن‌کثیر، ۱۳۹۶: ۱۳۶/۲ ابن‌کثیر، ۱۴۰۸: ۱۵۸/۳؛ آمدی، ۱۴۲۳: ۲۹۱/۵).

گرچه ملا علی قاری کلمات مضطربی دارد اما با نگاه به تمام سخنانش به نظر می‌رسد او از متوقفین است. وی در شرح کتاب الفقه الأكبر بعد از بیان ادله قائلان به تفضیل فاطمه علیها السلام و خدیجه علیها السلام بر عائشه با تمسک به حدیث ثرید قول به تفضیل عائشه را به امام احناف نیز نسبت می‌دهد (قاری، ۱۴۲۸: ۲۰۹). اما در کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح تفضیل فاطمه علیها السلام و خدیجه علیها السلام را بر عائشه به ابوحنیفه نسبت می‌دهد هر چند که این تفضیل را نمی‌پذیرد و قایل به تفضیل در فضائل شده و توقف را ترجیح داده است) وی در نهایت بعد از نقل حدیث ثرید می‌نویسد: «أقول التوقف فی حق الكل أولى إذ ليس فی المسألة دليل قطعی والظنات متعارضة غير مفيدة للعقائد المبنية علی اليقینيات» (قاری، ۱۴۲۲). بنابراین می‌توان ملا علی قاری را از متوقفین شمرد. اما انتقاد وی به قاضی عیاض که در شمارش همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از نام خدیجه اول نام عائشه را آورده: «وكان الأولى أن يقدم خدیجة الكبرى أم فاطمة الزهراء رضی الله تعالی عنهما». (ملا علی قاری، ۸۱/۲) به قرینه عبارت قاری در شرح فقه اکبر ممکن است گفته شود مقصود اولویت زمانی است نه رتبی.

علاوه بر آنچه نقل شد در بین اهل سنت جمع دیگری نیز قائل به تفضیل و در نهایت توقف در تفضیل شده اند: سیوطی در شرح حدیث ثرید می‌نویسد: «و فضل الثرید علی سائر الأطمعة ليس بفضل کلی بل فضل من وجه فلا يلزم منه فضيلتها علی خدیجة و فاطمة بل الأصل فی هذه المسئلة التوقف فإن لكل واحدة منهن فضيلة ليست للآخری» (سیوطی، بی تا، ۲۳۶).

دیگر شارحان اهل سنت هم تصریح کرده‌اند که حدیث ثرید نمی‌تواند دال بر افضلیت از تمام جهات باشد: «إنما فضل الثرید علی الطعام لما فيه من تيسر المؤونة وسهولة الإساءة وهذا لا يستلزم ثبوت الأفضلية له من كل وجه فقد يكون مفضولا من حیثة أخرى وحينئذ فليس فيه تصریح بأفضلية عائشة علی غيرها» (إتحاف القاری بدرر البخاری).

العثيمين بعد از اصرار بر عموم کلمه النساء در حدیث ثرید و اثبات دلالت آن بر افضلیت عائشه حتی بر خدیجه و بیان آراء علما در مفاضله بین عائشه و خدیجه در نهایت قول به تفضیل را ترجیح می‌دهد: «فلا يصح أن تفضل إحداها علی الأخری تفضیلاً مطلقاً، بل نقول: هذه أفضل من وجه، وهذه أفضل من وجه، ونكون قد سلکنا مسلك العدل، فلم نهدر ما لهذه من المزية، ولا ما لهذه من المزية، وعند التفصیل يحصل التحصیل» (مجموع فتاوی العثيمين).

ابن قیم جوزی نیز در مفاضله بین فاطمه و عائشه بعد از تقویت قول به تفضیل، ابن تیمیه را نیز قائل به تفضیل در تفضیل معرفی می‌کند: «وقد سئل شیخ الإسلام ابن تیمیه عن مسائل عديدة من مسائل التفصیل فأجاب فیها بالتفصیل الشافی» (ابن قیم، ۱۴۱۶: ۶۸۳/۳).

بنا بر آنچه گذشت توقف و تفضیل گرچه ناشی از عدم تمکین حق مسلم و قطعی است اما دلالت دارد بر این که استناد برخی از اهل سنت به حدیث ثرید بر افضلیت عائشه ناتمام است.



نتیجه‌گیری

در این نوشتار به دور از نزاع‌های طائفی و اتهامات بی‌اساس و توهین به مقدسات اهل سنت و در یک بحث علمی با استفاده حداکثری از منابع قابل قبول اهل سنت و بدون پیش داوری، دلالت حدیث ثرید منسوب به رسول خدا ﷺ را از جهت سند و دلالت بررسی قرار گرفت.

از تحلیل متن‌های گوناگون احتمال وضع در حدیث ثرید تقویت شد علاوه بر این که سه نفر از چها راوی حدیث در دشمنی با امیر المومنین (علیه السلام) مشهورند و نفر سوم هم مدح و توثیقی قابل قبول حتی نزد اهل سنت ندارد. بنا بر این از حیث سند نمی‌تواند قابل اعتنا باشد.

از حیث دلالت هم نگاه دقیق به صدر و ذیل حدیث، دلالت آن را بر بیان فضیلت مورد تأمل قرار می‌دهد علاوه بر این که بر فرض قبول سند و دلالت حدیث بر بیان فضیلت و برتری عائشه، در مقام تعارض نصوص دالا بر برتری خدیجه و عائشه حتی در سخن برخی از اعلام اهل سنت از جهت قوت سند و دلالت ترجیح دارند. بنابراین حدیث ثرید با غمض عین از سند، نمی‌تواند دلالت بر فضیلت و برتری عائشه بر خدیجه (علیه السلام) و یا فاطمه (علیه السلام) داشته باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

١. ابن اثیر جزری، مبارک،، النهاية في غريب الحديث و الأثر، تحقيق طاهر أحمد الزاوي، قم: مؤسسة إسماعيليان. ١٣٦٧ش.
٢. ابن تيمية، أحمد، منهاج السنة النبوية في نقض كلام الشيعة القدرية، تحقيق، محمد رشاد سالم، مؤسسة قرطبة، ١٤٠٦ق.
٣. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، المحقق: إحسان عباس، بيروت: دار صادر، ١٩٦٨م.
٤. ابن عساکر، محمد، الأربعين في مناقب أمهات المؤمنين رحمة الله عليهن أجمعين محمد مطيع الحافظ، دمشق: دارالفكر، ١٤٠٦ق.
٥. ابن كثير، اسماعيل، تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٩ق.
٦. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغة، بي جا، دار إحياء الكتب العربية، ١٣٧٨ق.
٧. ابن ابى عاصم، أحمد الأحاد و المثاني باسم فيصل أحمد الجوابرة، الرياض: دارالراية، ١٤١١ق.
٨. ابن قيم جوزى محمد، الطب النبوى، عبد الغنى عبد الخالق، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٣٧٧ق.
٩. ابن قيم جوزى، بدائع الفوائد، تحقيق: هشام عبدالعزيز عطا، مكة: مكتبة نزار مصطفى الباز مكة، ١٤١٦ق.
١٠. ابن بابويه، محمد بن على، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تهران، بي نا، ١٣٧٨ق.
١١. ابن بابويه، محمد بن على، الخصال، قم، بي نا، ١٣٦٢ش.
١٢. ابن حبان، محمد، الثقات، حيدر آباد دكن لهند: دائرة المعارف العثمانية، ١٣٩٣ش.
١٣. ابن حبان، محمد، صحيح ابن حبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ق.
١٤. ابن حزم اندلسى، على، الفصل في الملل و الأهواء و النحل، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٦ق.
١٥. ابن خلدون، عبدالرحمن تاريخ ابن خلدون ديوان المبتدأ و الخبر في تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر محقق خليل شحادة، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٨ق.
١٦. ابن راهويه، اسحاق مسند إسحاق بن راهويه عبدالغفور مكتبة الإيمان مدينة منورة، ١٤١٢ق.
١٧. ابن صباغ، على بن محمد، الفصول المهمة في معرفة الأئمة، قم: دارالحديث، ١٤٢٢ق.
١٨. ابن طلحة، محمد، مطالب السؤول في مناقب آل الرسول عليهم السلام، بي جا، بي نا، بي تا.



۱۹. ابن عبدالبر، يوسف، الاستيعاب، تحقيق: البحاوى، بيروت: دارالجيل، ۱۴۱۲ق.
۲۰. ابن عساکر، على، الاربعين فى مناقب امهات المومنين، محمد مطيع، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۶ق.
۲۱. ابن عساکر، على، تاريخ مدينة دمشق، بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۲. ابن قتيبه، عبدالله، المعارف، تحقيق: ثروت عكاشه، قاهره: دارالمعارف، بى تا.
۲۳. ابن كثير، اسماعيل، السيرة النبوية، تحقيق: مصطفى عبدالواحد، بيروت: دارالمعرفة، ۱۳۹۶ق.
۲۴. ابن كثير، اسماعيل، البداية والنهاية، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۰۸ق.
۲۵. ابن ماجه، محمد، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فواد عبدالباقى، بيروت: دارالفکر، بى تا.
۲۶. ابن منظور، احمد، لسان العرب، قم: نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵ق.
۲۷. ابورية، محمود، أضواء على السنة المحمدية، قم: انصاريان، ۱۴۲۰ق.
۲۸. ابو نعيم اصفهاني، احمد، تاريخ أصبهان، محقق: كسروى، بيروت: دارالكتب، ۱۴۱۰ق.
۲۹. اسفراينى، طاهر، التبصير التبصير فى الدين و تمييز الفرقة الناجية عن الفرق الهالكين كمال يوسف الحوت، لبنان: عالم الكتب، ۱۴۰۳ق.
۳۰. آل مجد، سيد حسن، الأرائح المسكية فى تفضيل البضعة الزكية، بى جا، بى نا، بى تا.
۳۱. آلوسى، محمود، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثانى، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
۳۲. آمدى، سيف الدين، أباكار الأفكار فى أصول الدين، قاهره، بى نا، ۱۴۲۳ق.
۳۳. البانى، صحيح وضعيف الجامع الصغير المكتب الإسلامى، بى جا، بى نا، بى تا.
۳۴. البانى، محمد ناصر، سلسلة الأحاديث الصحيحة، رياض: مكتبة المعارف، ۱۴۱۵ق.
۳۵. البانى، محمد ناصر، موسوعة العلامة الإمام مجدد العصر، تحقيق: شادى بن محمد بن سالم آل نعمان، صنعاء: مركز النعمان، ۱۴۳۱ق.
۳۶. البانى، محمد ناصر، سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة و أثرها السيئ فى الأمة، رياض: دارالمعارف، ۱۴۱۲ق.
۳۷. بخارى، محمد، صحيح بخارى، بيروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۳۸. بغوى، حسين، تفسير بغوى المسمى معالم التنزيل، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۲۰ق.

٣٩. بغوی حسین، شرح السنة، شعيب الأرئوط، بيروت: المكتبة الإسلامية، ١٤٠٣ق.
٤٠. بيهقي، ابوبكر، دلائل النبوة، بيروت، ١٤٠٥ق.
٤١. ترمذی، محمد، سنن الترمذی، تحقيق: محمد عثمان، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٣ق.
٤٢. ثعلبی، احمد، تفسير الثعلبی، تحقيق: نظير ساعدی، لبنان: دار إحياء التراث، ١٤٢٢ق.
٤٣. حاكم نيشابوري، محمد، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: يوسف عبدالرحمن المرعشلي، بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
٤٤. دارمی، عبدالله بن بهرام، سنن دارمی، دمشق: مطبعة الحديثه، بی تا.
٤٥. ذهبي، محمد، سير أعلام النبلاء، تحقيق: شعيب الأرئوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.
٤٦. زبيدي، مرتضى تاج العروس، على شيرى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٤ق.
٤٧. زمخشري، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٠٧ق.
٤٨. زيعلى، عبدالله، تخريج الأحاديث والآثار، الرياض: دار ابن خزيمة، ١٤١٤ق.
٤٩. سندي، محمد، حاشية السندی على صحيح البخارى، بيروت: دارالفكر، بی تا.
٥٠. سيوطي، جلال الدين، الجامع الصغير، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ق.
٥١. سيوطي، جلال الدين، شرح سنن ابن ماجه، عبدالغني، فخر الحسن الدهلوي اقدمي، كراتشي: كتب خانة، بی تا.
٥٢. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٠ق.
٥٣. شيباني، أحمد بن حنبل، فضائل الصحابة لأحمد بن حنبل، بی جا، بی نا، بی تا.
٥٤. شيباني، احمد ابن حنبل، مسند احمد، بيروت: دار صادر، بی تا.
٥٥. صلابي، على محمد، سيرة أمير المؤمنين على بن أبي طالب، بی جا، بی نا، ١٤٢٦ق.
٥٦. طبراني، سليمان بن احمد، المعجم الكبير حمدي عبدالمجيد السلفي، القاهرة: ابن تيمية، بی تا.
٥٧. طبرسي، تفسير مجمع البيان، بی جا، بی نا، بی تا.
٥٨. طبري، ابن جرير، جامع البيان خليل الميس، بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.
٥٩. طحاوي، محمد، شرح مشكل الآثار، شعيب الأرئوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٨ق.
٦٠. طوسي، محمد، اختيار معرفة الرجال، بی جا، بی نا، بی تا.



۶۱. طيالىسى، ابوداود، مسند طيالىسى، بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
۶۲. عاملى، جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ، بيروت: دارالهدى، ۱۴۱۵ق.
۶۳. عسقلانى، ابن حجر، فتح البارى، بيروت: دارالمعرفة، للطباعة و النشر، بى تا.
۶۴. عسقلانى ابن حجر الإصابة، عادل أحمد عبدالموجود، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
۶۵. عينى، بدرالدين، عمدة القارى، بيروت: دار احياء التراث، بى تا.
۶۶. قارى، على، شرح كتاب الفقه الأكبر، بيروت، بى تا، ۱۴۲۸ق.
۶۷. قارى، على، مرقاه المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، بيروت: دارالفكر، ۱۴۲۲ق.
۶۸. قارى، على، شرح الشفاء، بيروت، بى تا، ۱۴۲۱ق.
۶۹. قارى، على، شرح كتاب الفقه الأكبر، بيروت، ۱۴۲۸ق.
۷۰. قاضى عياض، عياض بن موسى، شرح صحيح مسلم المسمى اكمال المعلم بفوائد مسلم، تحقيق: يحيى اسماعيل، بى جا، دارالوفاء، ۱۴۲۶ق.
۷۱. قرطبى، محمد، الجامع لأحكام القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۵ق.
۷۲. كلينى، محمد بن يعقوب، كافى، على اكبر غفارى، تهران: دارالكتب العلمية، ۱۳۶۳ش.
۷۳. گروه تاريخ پژوهشگاه دانشنامه سيره نبوى، مدخل ابوموسى اشعري، دانشنامه سيره نبوى، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
۷۴. مامقانى، عبدالله، تنقيح المقال فى علم الرجال، قم: مؤسسة آل البيت ع لإحياء التراث، ۱۴۳۱ق.
۷۵. ماوردى، ابوالحسن أعلام النبوة، بيروت: مكتبة الهلال، ۱۴۰۹ق.
۷۶. مباركفورى، عبدالله، تحفة الأحوذى بشرح جامع الرمذى، بيروت، بى تا، ۱۴۱۰ق.
۷۷. متقى هندی، على كرز العمال تصحيح صفوة السقا، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۷۸. محمد بن عقيل، النصائح الكافية، قم: دارالثقافة للطباعة و النشر، ۱۴۱۲ق.
۷۹. مظفر، محمدحسن، دلائل الصدق لنهج، قم، بى تا، ۱۴۲۲ق.
۸۰. مفيد، محمد، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم: موسسه آل بيت ﷺ، ۱۴۱۳ق.
۸۱. مقرئى، احمد، إمتاع الأسماع، محمد عبدالحميد النميسى، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۰ق.
۸۲. مناوى، محمد، فيض التقدير شرح الجامع الصغير فى احاديث البشير النذير، أحمد عبد السلام، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.

٨٣. نسائی، احمد، السنن الكبرى، تحقيق: البنداری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١١ق.
٨٤. نسائی، احمد، فضائل الصحابة، دارالکتب العلمیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٠٥ق.
٨٥. نووی، محی الدین، شرح مسلم، بیروت: دارالکتب العربی، ١٤٠٧ق.
٨٦. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، بی جا، بی نا، بی تا.
٨٧. هیشمی، نورالدین، مجمع الزوائد، بیروت: مكتبة القدسی، ١٤٠٨ق.





Bibliography

1. Abu Na'im Isfahani, Ahmed, *Tarikh Isfahan (History of Isfahan)*, Researched by Kisrawi, Beirut: Dar al-Kutub, 1410 AH (1990 CE).
2. Abu Rayyah, Mahmoud, *Adwa' al-Sunnah al-Mohammadiyah (Lights on the Mohammadan Tradition)*, Qom: Ansarian, 1420 AH (1999 CE).
3. Albani, Mohammad Nasir, *Mawsu'at al-Allamah al-Imam Mujaddid al-Asr (Encyclopedia of the Reviver of the Era)*, Researched by Shadi bin Mohammad bin Salim Al-Nu'man, Sanaa: Markaz Al-Nu'man, 1431 AH (2010 CE).
4. Albani, Mohammad Nasir, *Silsilat al-Ahadith al-Da'ifah wa al-Mawdu'ah wa Atharuha al-Sayyi' fi al-Ummah (The Chain of the Weak and Fabricated Hadiths and Their Evil Effects on the Ummah)*, Riyadh: Dar al-Ma'arif, 1412 AH (1991 CE).
5. Albani, Mohammad Nasir, *Silsilat al-Ahadith al-Sahihah (The Chain of Authentic Hadiths)*, Riyadh: Maktabah al-Ma'arif, 1415 AH (1994 CE).
6. Albani, Sahih wa Da'if, *Sahih wa Za'eef al-Jami' al-Saghir (The Correct and Incorrect of the Small Comprehensive Collection)*, Islamic Office, N.p., n.p., n.d.
7. Al-Majaddid, Seyyed Hassan, *Al-Ara'ij al-Maskiyah fi Tafdil al-Bud'ah al-Zakiyyah (The Fragrant Gardens in the Praise of the Pure Offspring)*, N.p., n.p., n.d.
8. Alusi, Mahmud, *Ruuh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab al-Mathani (The Soul of Meanings in the Interpretation of the Great Quran and the Seven Repeated Verses)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1994 CE).
9. Amili, Ja'far Muhammad, *Al-Sahih min Sirat al-Nabi al-Azam (The Authentic Report on the Biography of the Great Prophet)*, Beirut: Dar al-Hoda, 1415 AH (1994 CE).
10. Amodi, Saif al-Din, *Abkar al-Afkar fi Usul al-Din (The First Thoughts in the Principles of Religion)*, Cairo, n.p., 1423 AH (2002 CE).
11. Asqalani, Ibn Hajar, *Al-Isabah fi Tamyiz al-Sahabah (The Book of the Elite in Differentiating the Companions)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1994 CE).
12. Asqalani, Ibn Hajar, *Fath al-Bari (The Victory of the Creator)*, Beirut: Dar al-Ma'arif, for Printing and Publishing, n.d.
13. Ayni, Badr al-Din, *'Umdat al-Qari (The Support of the Reciter)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath, n.d.
14. Baghawi, Hossein, *Sharh al-Sunnah (Explanation of the Sunnah)*, Researched by Shuayb al-Arna'ut, Beirut: Al-Maktab al-Islami, 1403 AH (1983 CE).
15. Baghawi, Hossein, *Tafsir al-Baghawi al-Musamma Ma'alim al-Tanzil (The Commentary of Baghawi Known as Signs of Revelation)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
16. Bayhaqi, Abu Bakr, *Dala'il al-Nubuwwah (The Proofs of Prophethood)*, Beirut, 1405 AH (1985 CE).
17. Bukhari, Mohammad, *Sahih al-Bukhari*, Beirut: Dar al-Fikr, 1401 AH (1981 CE).
18. Darami, Abdullah bin Bahram, *Sunnan Darami*, Damascus: Matba'at al-Hadithah, n.d.
19. Dhahabi, Mohammad, *Si'ar A'lam al-Nubala (Biography of the Noble Figures)*, Researched by Shu'ayb al-Arna'ut, Beirut: Mu'assasat al-Risalah, 1413 AH (1992 CE).
20. Esfarayeni, Tahir, *Al-Tabsir fi al-Din wa Tamyiz al-Firqah al-Najiyah 'an al-Firqah al-Halikin (The Illumination in Religion and the Differentiation of the Saved Sect from the Perishing Sects)*, Edited by Kamal Yusuf al-Hut, Lebanon: Alam al-Kitab, 1403 AH (1983 CE).
21. Hakim al-Neyshaburi, Mohammad, *Al-Mustadrak 'ala al-Sahihain (The Mustadrak on the Two Sahihhs)*, Researched by Yusuf Abdul Rahman al-Mar'ashi, Beirut: Dar al-Ma'arif, n.d.
22. Haythami, Nur al-Din, *Majma' al-Zawa'id (Collection of Increased Traditions)*, Beirut: Maktabah al-Qudsi, 1408 AH (1988 CE).

23. History Group of Pazhuheshgah Daneshnameh Seerah Nabawiyah, *Madkhal Abu Musa Ash'ari (Entry of Abu Musa Ash'ari)*, Qom: Research Institute of Hawzeh and University, 1389 SH (2010 CE).
24. Ibn Abd al-Birr, Yusuf, *Al-Isti'ab (The Comprehension)*, Researched by al-Bahawi, Beirut: Dar al-Jail, 1412 AH (1991 CE).
25. Ibn Abi al-Hadid, *Sharh Nahj al-Balaghah (Explanation of the Peak of Eloquence)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1378 AH (1958 CE).
26. Ibn Abi Asim, Ahmed, *Al-Ahad wa al-Mathani (The Singular and the Dual)*, Edited by Basim fi Faisal Ahmed al-Jawabira, Riyadh: Dar al-Raya, 1411 AH (1990 CE).
27. Ibn Asakir, Ali, *Al-Arba'in fi Manaqib Ummahat al-Mu'minin (The Forty Virtues of the Mothers of the Believers)*, Mohammad Moti', Damascus: Dar al-Fikr, 1406 AH (1986 CE).
28. Ibn Asakir, Ali, *Tarikh Madinat Dimashq (The History of the City of Damascus)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1415 AH (1994 CE).
29. Ibn Asakir, Mohammad, *Al-Arba'in fi Manaqib Ummahat al-Mu'minin (The Forty Virtues of the Mothers of the Believers)*, Edited by Mohammad Moti' al-Hafiz, Damascus: Dar al-Fikr, 1406 AH (1986 CE).
30. Ibn Athir Jazari, Mubarak, *Al-Nihaya fi Ghareeb al-Hadith wal Athar (The Ultimate in the Unfamiliar Hadith and Narrations)*, Edited by Taher Ahmed al-Zawi, Qom: Ismailian Foundation, 1367 SH (1988 CE).
31. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali, *Al-Khisal (The Traits)*, Qom, 1362 SH (1983 CE).
32. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali, *Uyun Akhbar al-Ridha (The Sources of the Traditions of Imam Ridha)*, Tehran, 1378 AH (1999 CE).
33. Ibn Hazim Andalusi, Ali, *Al-Fasl fi al-Milal wa al-Ahwa wa al-Nihal (The Separator Concerning Religions, Sects, and Creeds)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1416 AH (1995 CE).
34. Ibn Hibban, Mohammad, *Al-Thiqat (The Reliable Narrators)*, Hyderabad Deccan, India: Daira al-Ma'arif al-Othmaniyyah, 1393 SH (1973 CE).
35. Ibn Hibban, Mohammad, *Sahih Ibn Hibban*, Researched by Shu'ayb al-Arna'ut, Beirut: Al-Risalah Foundation, 1414 AH (1993 CE).
36. Ibn Kathir, Ismail, *Al-Bidayah wa al-Nihayah (The Beginning and the End)*, Researched by Ali Shiri, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1408 AH (1988 CE).
37. Ibn Kathir, Ismail, *Al-Sirah al-Nabawiyah (The Prophetic Biography)*, Researched by Mustafa Abdul Wahid, Beirut: Dar al-Ma'arif, 1396 AH (1976 CE).
38. Ibn Kathir, Ismail, *Tafsir al-Quran al-Azim (Ibn Kathir's Commentary on the Great Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1419 AH (1998 CE).
39. Ibn Khaldun, Abd al-Rahman, *Kitāb al-'Ibar wa-Dīwān al-Mubtada' wa-l-Khabar fi Ta'rīkh al-'Arab wa-l-Barbar wa-Man 'Āṣarāhum min Dhawī ash-Sha'n al-Akbār (Book of Lessons, Record of Beginnings and Events in the History of the Arabs and the Berbers and Their Powerful Contemporaries)*, Researched by Khalil Shahada, Beirut: Dar al-Fikr, 1408 AH (1987 CE).
40. Ibn Majah, Mohammad, *Sunan Ibn Majah*, Researched by Mohammad Fuwad Abdul Baqi, Beirut: Dar al-Fikr, n.d.
41. Ibn Manzur, Ahmed, *Lisan al-Arab (The Language of the Arabs)*, Qom: Nashr Adab al-Hawza, 1405 AH (1985 CE).
42. Ibn Qayyim al-Jawzi, Mohammad, *Al-Tibb al-Nabawi (Prophetic Medicine)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1377 AH (1958 CE).
43. Ibn Qayyim al-Jawzi, *Bada'i al-Fawa'id (The Sublime Benefits)*, Researched by Hisham Abdul Aziz Ata, Mecca: Maktabah Nazar Mustafa al-Baz, 1416 AH (1995 CE).
44. Ibn Qutaybah, Abdullah, *Al-Ma'arif (The Knowledge)*, Researched by Tharwat Akasha, Cairo: Dar al-Ma'arif, n.d.



45. Ibn Rahawayh, *Musnad Ishaq bin Rahwayh*, Abdul Ghafour, Medina: Maktabah al-Iman, 1412 AH (1992 CE).
46. Ibn Sa'ad, Mohammad, *Al-Tabaqat al-Kubra (The Great Classes)*, Researched by Ehsan Abbas, Beirut: Dar Sadir, 1968 CE.
47. Ibn Sabbagh, Ali bin Mohammad, *Al-Fusul al-Muhimmah fi Ma'rifah al-A'imma (Important Chapters in the Knowledge of the Imams)*, Qom: Dar al-Hadith, 1422 AH (2001 CE).
48. Ibn Talha, Mohammad, *Matalib al-Su'ul fi Manaqib Aal al-Rasul (The Desires of the Inquirer in the Virtues of the Family of the Prophet)*, N.p., n.p., n.d.
49. Ibn Taymiyyah, Ahmad, *Manhaj al-Sunnah al-Nabawiyyah fi Naqd Kalam al-Shia al-Qadariyyah (The Methodology of the Prophetic Sunnah in Critiquing the Doctrine of the Qadari Shia)*, Edited by Mohammad Rashad Salem, Qurtuba Institute, 1406 AH (1986 CE).
50. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Kafi (The Sufficient)*, Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1363 SH (1984 CE).
51. Manawi, Mohammad, *Fayd al-Qadir Sharh al-Jami' al-Saghir fi Ahadith al-Bashir al-Nazir (The Abundance of Power: Explanation of the Small Compilation on the Traditions of the Giver of Glad Tidings and the Warner)*, Ahmed Abdul Salam, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1994 CE).
52. Maqani, Abdullah, *Tanqih al-Maqal fi 'Ilm al-Rijal (Refinement of the Words on the Science on Narrators)*, Qom: Mu'assasah Al al-Bayt li lhya' al-Turath, 1431 AH (2010 CE).
53. Maqrizi, Ahmad, *Imta' al-Asma (Entertainment of the Names)*, Mohammad Abdul Hamid al-Namisi, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1420 AH (1999 CE).
54. Mawardi, Abu al-Hassan, *A'lām al-Nubuwwah (The Signs of Prophethood)*, Beirut: Maktabah al-Hilal, 1409 AH (1989 CE).
55. Mohammad bin 'Aqil, *Al-Nasa'ih al-Kafiyah (Sufficient Advice)*, Qom: Dar al-Thaqafah li al-Taba'ah wa al-Nashr, 1412 AH (1991 CE).
56. Mubarakpuri, Abdullah, *Tuhfat al-Ahwadhi bi Sharh Jami' al-Tirmidhi (The Gift of the Lovers with the Explanation of Jami' al-Tirmidhi)*, Beirut, n.p., 1410 AH (1990 CE).
57. Mufid, Mohammad, *Al-Irshad fi Ma'rifah Hujaj Allah 'ala al-'Ibad (Guidance in Knowing the Proofs of Allah upon His Servants)*, Qom: Mu'assasah Al al-Bayt, 1413 AH (1992 CE).
58. Muttaqi al-Hindi, *Kanz al-'Ummal (Treasure of the Doers)*, Researched by Safwat al-Saqa, Beirut: Mu'assasah al-Risalah, 1409 AH (1989 CE).
59. Muzaffar, Mohammad Hassan, *Dala'il al-Sidq li Nahj (The Evidence of Truth for the Path)*, Qom, n.p., 1422 AH (2001 CE).
60. Nasa'i, Ahmad, *Al-Sunan al-Kubra (The Great Sunan)*, Researched by Albandari, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1411 AH (1991 CE).
61. Nasa'i, Ahmad, *Fada'il al-Sahabah (The Virtues of the Companions)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1405 AH (1985 CE).
62. Nawawi, Muhyiddin, *Sharh Sahih Muslim (Commentary on Sahih Muslim)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1407 AH (1987 CE).
63. Neyshapuri, Muslim, *Sahih Muslim*, N.p., n.p., n.d.
64. Qadi Ayyad, *Sharh Sahih Muslim Al-Musamma Ikmal al-Mu'allim bi-Fawa'id Muslim (Commentary on Sahih Muslim: The Perfect Teacher with the Benefits of Muslim)*, Researched by Yahya Isma'il, Beirut: Dar al-Wafa', 1426 AH (2005 CE).
65. Qari, Ali, *Mirqah al-Mafatih Sharh Mishkat al-Masabih (The Path to the Keys: Explanation of the Niche of the Lamps)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1422 AH (2001 CE).
66. Qari, Ali, *Sharh al-Shifa (Explanation of the Healing)*, Beirut, n.p., 1421 AH (2000 CE).
67. Qari, Ali, *Sharh Kitab al-Fiqh al-Akbar (Explanation of the Book of Greater Fiqh)*, Beirut, n.p., 1428 AH (2007 CE).

68. Qari, Ali, *Sharh Kitab al-Fiqh al-Akbar (Explanation of the Book of Greater Fiqh)*, Beirut, 1428 AH (2007 CE).
69. Qurtubi, Mohammad, *Al-Jami' li Ahkam al-Quran (The Comprehensive Guide to the Rulings of the Quran)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1405 AH (1985 CE).
70. Salabi, Ali Mohammad, *Sirat Amir al-Mu'minin Ali bin Abi Talib*, N.d., n.p., 1426 AH (2005 CE)
71. Shaybani, Ahmad bin Hanbal, *Fada'il al-Sahabah li Ahmad bin Hanbal (The Merits of the Companions by Ahmad bin Hanbal)*, N.p., n.p., n.d.
72. Shaybani, Ahmad bin Hanbal, *Musnad Ahmad*, Beirut: Dar Sadir, n.d.
73. Shushitari, Mohammad Taqi, *Qamus al-Rijal (The Dictionary of Narrators)*, Qom: Jama'at al-Mudarrisin fi al-Hawzah al-Ilmiyyah bi-Qum, Mu'assasat al-Nashr al-Islami, 1410 AH (1989 CE).
74. Sindi, Mohammad, *Hashiyah al-Sindi 'ala Sahih al-Bukhari (Sindi's Commentary on Sahih al-Bukhari)*, Beirut: Dar al-Fikr, n.d.
75. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Jami' al-Saghir (The Small Comprehensive Collection)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1401 AH (1981 CE).
76. Suyuti, Jalal al-Din, *Sharh Sunan Ibn Majah*, Abdul Ghani, Fakhr al-Hassan al-Dihlawi Aqdimi, Karachi: Kutub Khanah, n.d.
77. Tabarani, Sulayman bin Ahmad, *Al-Mu'jam al-Kabir (The Great Compilation)*, Hamdi Abdul Majid al-Salafi, Cairo: Ibn Taimiyah, n.d.
78. Tabari, Ibn Jarir, *Jami' al-Bayan (The Collection of the Statement)*, Khalil al-Mays, Beirut: Dar al-Fikr, 1415 AH (1994 CE).
79. Tabrisi, *Tafsir Majma' al-Bayan (The Collection of Statement)*, N.p., n.p., n.d.
80. Tahawi, Mohammad, *Sharh Mushkil al-Athar (Commentary on the Difficult Narrations)*, Shu'ayb al-Arna'ut, Beirut: Mu'assasat al-Risalah, 1408 AH (1988 CE).
81. Tayalisi, Abudawud, *Musnad Tayalisi (Tayalisi's Compilation)*, Beirut: Dar al-Ma'arifah, n.d.
82. Tha'labi, Ahmad, *Tafsir al-Tha'labi*, Researched by Nazir Saeedi, Lebanon: Dar Ihya al-Turath, 1422 AH (2001 CE).
83. Tirmidhi, Mohammad, *Sunan al-Tirmidhi*, Researched by Mohammad Uthman, Beirut: Dar al-Fikr, 1403 AH (1983 CE).
84. Tusi, Mohammad, *Ikhtiyar Ma'rifah al-Rijal (Selection of the Biographies of the Narrators)*, N.p., n.p., n.d.
85. Zamakhshari, Mahmud, *Al-Kashshaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil wa 'Uyun al-Aqawil fi Wajuh al-Tawil (The Unveiling of the Realities of the Quranic Ambiguities and the Springs of Sayings in the Aspect of Interpretation)*, Beirut: Dar al-Ketab al-Arabi, 1407 AH (1987 CE).
86. Zayali, Abdullah, *Takhrig al-Ahadith wa al-Athar (The Extraction of Hadiths and Narrations)*, Riyadh: Dar Ibn Khuzaymah, 1414 AH (1993 CE).
87. Zubaidi, Mortada, *Taj al-Urus (The Crown of the Bride)*, Ali Shirazi, Beirut: Dar al-Fikr, 1414 AH (1993 CE)